

خداداد در خراسان به دنیا آمده است.
 روزی خداداد با خانواده برای گردش به دشتی زیبا رفتند.
 درخت و خانه از دور دیده می شد. از رودخانه رد شدند.
 در مسیر ماشین شان خراب شد.
 مادر به آنان تخته‌های خربزه داد تا کسی خستگی در کنند.
 پدر با خانواده شوخی می کرد و می گفت: در دشت خرس است.
 خرس انسان را با ناخنش زخمی می کند.
 در دور دست، دختری برای کمک به خانواده اش زمین را شخم
 می زد. ساختمان زیبایی در نزدیکی زمین آنان بود که از دودکش
 آشپزخانه دود بیرون می آمد.
 خدا را شکر، پدر ماشین را خوب درست کرد و به مسیر ادامه دادند
 و خرگوش و خارشفت را دیدند.



بار آورد:

Blank writing area for the student's response to the 'بار آورد' (Bar Aard) prompt.

